



شاهکارهای ادبی (2)

پدیدآورده (ها) : فاطمی، سید حسن
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: آینه پژوهش :: خرداد و تیر 1376 - شماره 44
از 7 تا 15
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/30583>

دانلود شده توسط : سید حسن فاطمی
تاریخ دانلود : 23/01/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



شاهکارهای ادبی (۲)

سید حسن فاطمی

الحمد لله القديم بلاغية، والباقي بلانهاية،
الذی علا فی دنوه، ودنا فی علوه، فلا یحویه
زمان، ولا یحیط به مکان، ولا یؤده حفظ
ما خلق، ولم یخلقه علی مثال سبق، بل انشاء
ابتداعاً، وعدله اصطناعاً.^۳

۶۱. سورة براءة به واصل بن عطاء داده شد تا بخواند. وی
آغاز آن را (برائة من الله ورسوله الى الذين عاهدتم من المشركين
فسیحوا فی الارض اربعة اشهر) بالبداهه این گونه خواند:

عهد من الله ونبيه الى الذين عاهدتم من
الفاستقين فسیحوا فی البسيطة هلالين هلالين.^۴

۶۲. حرف «راء» از ابیات زیر حذف شده است. آغاز:

وشادن سألته عن اسمه
فقال لی باللغ عبات
بات يعاطيني سخامية
وقال لی قد هجع الناث^۵

۶۳. احمد بن حسن بن علی (۶۴۹-۷۲۸ق) خطبه زیر را
بدون الف انشاء کرده است. آغاز:

حمدت ربی جل من کریم محمود، وشکرته عز
من عظیم معبود، ونزهته عن جهل کل ملحد
کفور، وقدسته عن قول کل مفسد غرور، کبیر

در شماره ۳۷ مجله وزین آینه پژوهش نوشتاری تحت عنوان
«شاهکارهای ادبی» به چاپ رسید که در آن ۵۷ شاهکار ادبی
معرفی گردید. در اینجا چند شاهکار ادبی دیگر معرفی
می شود. در آن شماره نام صناعاتی که در پاره ای از آثار به کار
رفته معرفی و توضیح داده شد، لیکن بخشی از این صناعات
هنوز نامگذاری نشده است.

۵۸. تمام خطبه های حضرت امیر المؤمنین (ع) شاهکار ادبی
است، لیکن زیبایی کلام زیر برای کسی که با زبان عربی آشنایی
نداشته باشد نیز محسوس است. آغاز:

سبحان الله حقاً حقاً، ان المولى صمد يبقی،
یحلم عنارفقاً رفقاً، لولا حلمه كنا نشقى، حقاً
حقاً صدقاً صدقاً، ان المولى يسائلنا ويوافقنا
ويحاسبنا، يا مولانا لاتهلکنا وتدارکنا
واستخدمنا واستخلصنا، حلمک عنا قد
جرأنا.^۱

۵۹. واصل بن عطاء (۸۰-۱۳۱ق) نمی توانست حرف
«راء» را درست تلفظ نماید. لذا هنگام سخن گفتن الفاظی را به
کار می برد که حرف «راء» در آنها نباشد؛ به گونه ای که حتی
نزدیکترین افراد نمی دانستند که او توان تلفظ «راء» را ندارد. نامه
زیر- که تقریباً در تمام کلمات آن حرف «راء» به کار رفته- به او
داده شد تا بخواند:

امر امیر الامراء الکرام ان یحضر بئر علی قارعة
الطریق فی شرب منها الصادق والوارد.
واصل بن عطاء آن را بی درنگ این گونه خواند:

حکم حاکم الحکام الفخام ان ینیش جب علی
جادة الممشی فیسقی منه الصادی والغادی.^۲

۶۰. خطبه زیر نیز از واصل بن عطاء با حذف حرف «راء»
است. آغاز:

۱. بحار، ج ۴۰، ص ۱۷۲.
۲. شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ابن عماد، بیروت، دارالکتب
العلمیة، ج ۱، ص ۱۸۳.
۳. نوادر المخطوطات، عبدالسلام هارون، مصر، چاپ دوم، ۱۳۹۲ق،
ص ۱۳۴؛ جمهرة خطب العرب، احمد زکی صفوت، مصر، چاپ
دوم، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۵۰۱.
۴. نوادر المخطوطات، ص ۱۲۶.
۵. نوادر المخطوطات، ص ۱۲۶.

لو تقوم في فهم لحد، قدیر لو تصور في رسم لحد، لو عرته فكرة تصور لتصور، ولو حدته فكرة لتقدر.^۶

۶۴. قصیده بی نقطه از سالک در مدح امام علی (ع). آغاز:

اسدالله سرّ داور کل
اسدالله صهر صدر رسل
محرم سر کردگار و دود
ولد عمّ احمد محمود^۷

۶۵. قصیده بی نقطه دیگر از سالک در مدح امام علی (ع).

آغاز:

مهر در دار حمل آمده در اوّل سال
کوه و صحرا همه را لاله و گل مالا مال
آمده سرو دل آرا و در آوا صلصل
آمده روح ده کلّ مروّح سلسال^۸

۶۶. در ابیات زیر از حریری، صنعت رقطاع (حرفی منقوط

و حرفی غیر منقوط) به کار رفته است. آغاز:

سید قُلب سبوق مبرّ
فطن مغرب غروف عیوب
مخلف متلف اغرّ فرید
نابه فاضل ذکیّ آنوف^۹

۶۷. در ابیات زیر علاوه بر اینکه تمام حروف، منقوط

است، تمام حروف را می توان به هم متصل نمود. به عبارت دیگر این ابیات موصل نیز می باشند. آغاز:

فتنتنی فـجنتنی تجنی
بتـجن یفتنّ غبّ تجنی
شغفتنی بجفن ظبی غضیض
غنج یقتضی تغییض جفنی^{۱۰}

۶۸. ابوالفضل عیاض (۴۷۶-۵۴۴ق) نام تمام سوره های

قرآن را به ترتیب در خطبه زیر به کار برده است. (صناعت توریه) آغاز:

«الحمد لله الذي افتتح بالحمد كلامه، و بين في سورة البقرة احكامه، ومد في آل عمران والنساء مائدة الانعام ليتيم انعامه، وجعل في الاعراف انفال توبة يونس والر كتاب احكمت آياته، بمجاورة يوسف الصديق في دار الكرامة.»^{۱۱}

۶۹. نام سوره های قرآن در خطبه سعید بن احمد مقرئ نیز به

ترتیب به کار رفته است. آغاز:

الحمد لله الذي افتتح بفاتحة الكتاب سورة البقرة، ليصطفى من آل عمران رجالاً ونساء، وفضلهم

تفضيلاً، ومدّ مائدة انعامه و رزقه، ليعرف اعراف انفال كرمه حقّه على اهل التوبة، وجعل ليونس في بطن الحوت سبيلاً ونجى هوداً من كربه و حزنه.^{۱۲}

۷۰. کفعمی نیز نام سوره های قرآن را به ترتیب در خطبه زیر به کار برده است. آغاز:

الحمد لله الذي شرف النبي العربي بالسبع المثاني وخواتيم البقرة من بين الانام، وفضل آل عمران على الرجال والنساء، بما وهب لهم من مائدة الانعام، منحهم باعراف الانفال، وكتب لهم براءة من الآثام، واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له، الذي نجى يونس و هوداً و يوسف من قومهم.^{۱۳}

۷۱. عبدالله بن مبارك گفتگویی را با پیرزنی انجام داده است که پیرزن تمام پاسخها را با قرآن سخن می گفته است. عبدالله بن مبارك می گوید:

از زیارت بیت الله برمی گشتم، در راه پیرزنی را دیدم، به او سلام کردم، در جواب این آیه را قرائت نمود: «سلام قولاً من رب رحيم». گفتم: در این بیابان تنها چه می کنی؟ گفت: «من يضل الله فلا هادي له». فهمیدم راه را گم کرده است. گفتم: می خواهی به کجا بروی؟ گفت: «سبحان الذي اسرى بعبد له ليلاً من المسجد الحرام الى المسجد الاقصى». دانستم

۶. جمهرة خطب العرب، ج ۳، ص ۲۱۷؛ الاحاطة في اخبار عرناطة، لسان الدين بن خطيب، مصر، مكتبة الخانجي، ۱۳۹۳ق، ج ۱، ص ۲۹۰.

۷. زندگانی حضرت معصومه (س) و تاریخ قم، سید مهدی صفی، چاپ ششم، ص ۹۰.

۸. همان، ص ۸۸.

۹. حدائق السحر في دقائق الشعر، رشيد الدين وطواط (ضميمة ديوان رشيد الدين وطواط)، تهران، كتابخانه باراني، ۱۳۳۹ش، ص ۶۸۶.

۱۰. همان، ص ۶۸۴، به نقل از مقامات حریری. با توجه به اینکه حریری تمام حروف منقوط را از ابیات مزبور حذف نموده است، روشن می گردد، گذاردن نقطه زیر یاء بزرگ در عربی را نمی توان رسم الخط جدید عربی پنداشت، بلکه گذاردن نقطه زیر یاء بزرگ از هزار سال پیش معمول بوده است؛ و الا حریری یاء بزرگ را در این ابیات به کار نمی برد.

۱۱. جمهرة خطب العرب، ج ۳، ص ۲۱۹.

۱۲. همان، ص ۲۲۲.

۱۳. همان، ص ۲۲۴.

از زیارت بیت الله برگشته است و می خواهد به بیت المقدس برود.^{۱۴}

۷۲. در نامه ای که میان حضرت علی (ع) و معاویه مبادله شده صناعت تصحیف به کار رفته است: امام (ع) برای معاویه چنین مرقوم فرمود:

غرک عزک، فصار قصار، ذلک ذلک، فاشخ فاحش، فعلک فعلک، تُهدا بهذا.^{۱۵}

معاویه در پاسخ چنین نوشت:

غلی قدری علی قدری.*

۷۳. ابیات زیر را علاوه بر اینکه از ابتدا به انتها می توان خواند، از پایان آخرین مصراع به طرف مصراع اول نیز قابل خواندن است:

آرام برای حور دارم یارا
زین شوخ مراد ما دمی مرگ روا
امشب می و کنجی و همه شب همره
خوش ناز منی بلا مجو مرگ مرا
آیم بر حرب زوار ای مه ناخوش
شو خانه میا روز بر حرب میا
آرم کرم و جمال بینم زان شوخ
هر مه بشیم هیچ نگویم به شما
آور که می مدام دارم خوش نیز
آرای مراد روح یارب ما را^{۱۶}

۷۴. در ابیات زیر نیز هر کدام جداگانه صناعت انعکاس به کار رفته است:

ملک الکلام لكل مالک الکلم
دعاک للروح و حور لک اعد
مسودته تدوم لكل هول
وهل کل مسودته تدوم
شو همره بلبل بلب هر مهوش
شکر به ترازوی وزارت برکش
ترازوی زر طرزی وزارت
امید آشنایان شادی ما^{۱۷}

۷۵. در ابیات زیر صناعت توشیح به کار رفته است. آغاز:

بیش از اندازه این طایفه «بر بنده نهاد
جود تو بار گران» زان دو کف گوهر بار
دیگرانند چو من بنده و «من بنده ز شکر
عاجزم چون دگران» وز خجلی گشته فگار

در صورتی که عبارات داخل گیومه جداگانه خوانده شود،

بیت زیر به دست می آید:

بر بنده نهاد جود تو بار گران

من بنده ز شکر عاجزم چون دگران^{۱۸}

۷۶. هنگام خواندن رباعی زیر، لبها به هم نمی خورند:

ای دیده رخ نگار دیدن خطر است
ای دل سر این رشته کشیدن خطر است
هان تا نچشی ز ساغر عشق دگر
زنهار دلا زهر کشیدن خطر است^{۱۹}

۷۷. در دو بیت زیر صناعت توزیع یا تکریر (تکرار حرف یا کلمه ای در عبارت) به کار رفته و در تمام کلمات حرف «میم» وجود دارد:

محمد المصطفی المختار من ختمت
بمجده مرسلوا الرحمن للامم
محمد المجتبی المحبب من ملک
بما یکرّم من مجد و من نعم^{۲۰}

۷۸. در دو بیت زیر نیز صناعت توزیع به کار رفته است:

تا کی ز گردش فلک آبگینه رنگ
بر آبگینه خانه طاعت ز نیم سنگ
بر آبگینه سنگ زدن فعل ما و ما
تهمت نهاده بر فلک آبگینه رنگ^{۲۱}

۷۹. دو بیت زیر نیز با استفاده از صناعت توزیع سروده شده است:

ای سنایی عاشقی را درد باید درد کو؟
بار جور نیکوان را مرد باید مرد کو؟
در زوایای خرابیات از چنان مردان هنوز
چند گویی مرد هست و مرد هست آن مرد کو؟^{۲۲}

۸۰. در ابیات زیر علاوه بر اینکه تنها از حروف نقطه دار استفاده شده، تمام حروف می توانند به یکدیگر متصل شوند.

۱۴. بازار دانش، محمد مهدی لنگرودی، چاپ سوم، ج ۱، ص ۱۸.

۱۵. بحار، ج ۴۰، ص ۱۶۳.

* بازار دانش، ج ۱، ص ۱۵۷.

۱۶. لغتنامه دهخدا، ذیل واژه «قلب».

۱۷. بازار دانش، ج ۱، ص ۳۵.

۱۸. المعجم فی معاییر اشعار العجم، شمس الدین محمد بن قیس رازی، تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی، ۱۳۲۷ ق، ص ۳۶۲.

۱۹. بازار دانش، ج ۱، ص ۳۳.

۲۰. گنجینه ذهنی، سید محمد جواد ذهنی تهرانی، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش، ص ۱۲۹.

۲۱. ابداع البدایع، محمد حسین شمس العلماء گرکانی، چاپ ۱۳۲۸ ق، ص ۲۰۹، به نقل از حکیم سوزنی.

۲۲. فرهنگ معارف اسلامی، سید جعفر سجادی، شرکت مؤلفان و مترجمان، چاپ دوم، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۵۵۷.



آغاز:

يا علمى المتبع، وعارضى المنتجع، ومعتدى
المطاع الممتنع، تعهدتك للنعم، همع عهادها
ورعتك للعصم، شرع صعادها واعتنى السعد
باعلائك، واعلى العلم باعتنائك.^{۲۹}

۸۶. تکرار حرف عین. آغاز:

وعنك يا رافع اعلام المعالى، والمدافع لليراع
عن العوالى، عبر الاعتبار، واملاك اعياد
المستعار، فبادان وعمان، والعراق والنعمان،
والصريع والخليع، والبديع والبعيث، والعقيلي
والعتابي والعتبي.^{۳۰}

۸۷. تکرار حرف عین. آغاز:

يا عمدتى وعصرى، وعدتى لعصرى، ومشرعى
ومشرعى، وعضدى وعذبي، نعمت عينا
بمبتاع النعما، وعلوت يفاع العزة القعسا،
وهمعت مرابعك، ونعمت بنايعك.^{۳۱}

۸۸. ابن جنان در ابیات زیر علاوه بر اینکه حرف عین را در
تمام کلمات به کار برده، تمام ابیات را با «عین» ختم کرده است.

آغاز:

اتعتبني عميدى عمد عين
وعين العذر تعرفه كعين
وعهدى عهد معتقد علم
بمعتز اعتزائك فى رعين^{۳۲}

۸۹. ابوالحسن رعینی به سبک ابن جنان در پاسخ به او چنین
سروده است. آغاز:

بشجى بييت في شجن
فتن ينشبن في فتن
يشقّ تيقّ تجنّب في
نقّ ضيقّ بقي ففني^{۲۳}

۸۱. ابوعبدالله بن جنان حرف عین را در تمام کلمات ابیات

زیر تکرار کرده است. آغاز:

يا ظاعنا عنا ظنعت بعصمة
ورجعت معتمداً بعز صاعد
عرج على ربع العلاء معرساً
بمعان عز المعترى للعابد^{۲۴}

۸۲. تکرار عین:

فألمعيتك تدعوك للاسعاف، ومعالاتك
تعطفك على الضعاف، فعلامه عمان، وشاعر
النعمان، والساعدى واسجاعه، والعبادى
وامتاعه، والاصمعى وسماعه، يعجزون عن
تنويع بديعك، وبديع تنويعك.^{۲۵}

۸۳. ابن اصبغ برای بیان ۶۲ معنی برای کلمه «عجوز» آن را

در ۲۸ بیت ۶۲ بار تکرار کرده و هر بار در یک معنی به کار برده
است. آغاز:

الاتب من معاواة العجوز
ونهنه عن مواطاة العجوز
ولا تركب عجوزاً فى عجوز
ولا روع ولايتك بالعجوز^{۲۶}

در استندراك اشعار ابن اصبغ، ابن معصوم چند بیت سروده

است و آن قسم از معانی «عجوز» را که ابن اصبغ نیاورده، متذکر
شده است. آغاز:

من ركب العجوز فلا يبالي
اذا ما اضطرّ من اكل العجوز
ولا تخلى عجوزك من سهام
اذا ما استطعت اعمال العجوز^{۲۷}

۸۴. ابوالحسن رعینی علاوه بر اینکه از کلماتی استفاده کرده

که حرف عین دارند، خود را ملزم کرده که قبل از حرف روى در
تمام ابیات حرف عین باشد. آغاز:

أعدّ التعهد للعميد بعطفة
تعنى برجة عهدك المتباعد
واعدّ سمعك للعتاب اعينه
لتعود للاعتاب عود مساعد^{۲۸}

۸۵. تکرار حرف عین. آغاز:

علاک علت علو الشعرین
مصاعده لأعلى المطلعین
واربعة السعود عنت لسعد
عدتک برعیه لقعات عین^{۳۳}

۹۰. تکرار حرف عین. آغاز:

علاؤک مشعر اعظامی، ومفزع اعتصامی،
وعمده اعتمالی، وصعدة اعتقالی، وعزوة
اعتمادی، وعروة اعتدادی، ومهیج إشراعی،
ومربع نزاعی، وعهدة اعتلاقی، عدّة أعلافی،
ومعهد اتباعی.^{۳۴}

۹۲. از آنجا که ابن جنان و ابوالحسن رعینی هر کدام
قصیده‌ای سرودند که در تمام کلمات آنها حرف عین وجود
داشت (شماره ۸۸ و ۸۹) ابومطرف بن عمیره رساله نونیه را
تدوین کرد که در تمام کلمات آن نون وجود دارد. (برای اشاره به
ابن جنان و رعینی) آغاز:

محاسن دنیانا تبین لناظر
ینقّب عنها مستتبینا لعینها
نجیب الرعینین مارن انفها
وندب بنی الجنان انسان عینها^{۳۵}

۹۲. تکرار حرف نون. آغاز:

البیان انواع، وان ظنّ آن یمینه صناع، فلنسیجہ ناس
نعرفهم نقلاً وعیانا، ونعدهم زماناً فزماناً، فنجد
مناقلهم نایبة، ونسبهم متدانیة، ومنازعههم عن
الاحسان وانیة، معان عیون، وغیطان وحزون.^{۳۶}

۹۳. «هلال» از اسمهای مشترک است که ابوالفضل یحیی بن
سلامه حصفکی (م ۵۵۱ یا ۵۵۳) در قصیده‌ای آن را تکرار کرده
و هر بار در معنای خاصی به کار رفته است. آغاز:

اقول وربما نفع المقال
الیک سهیل اذ طلع الهلال
تکاثرنی بالآلات المعانی
وکیف یکاثر البحر الهلال^{۳۷}

۹۴. از آنجا که ابوالفضل یحیی بن سلامه واژه «هلال» را در
تمام معانی آن به کار برده، شرف الدین قاهری ۱۷ بیت سروده
است و در هر بیت «هلال» را در معنای خاصی غیر از آنچه یحیی
بن سلامه به کار برده، استعمال کرده است. آغاز:

ان شعری قد حط سعری حتی
صار قدری کمثل قدر الهلال
ثم نحوی جرّ المکاره نحوی
فاعترانی منها کلسع الهلال^{۳۸}

۹۵. یکی از واژه‌های مشترک لفظ «عین» است که دارای
معانی فراوان است. ابوحامد احمد بن ابی الحسن سبکی
(م ۷۷۳ یا ۷۷۲) در شعر خود، لفظ «عین» را بارها تکرار کرده و
هر بار در معنای خاصی. آغاز:

هنیشاً قد اقرّ الله عینی
فلا رمت العدی اهلی بعین
وقد وافی المبشر لی فاکرم
بخیر ربیثة وافی وعین^{۳۹}

۹۶. در عبارت زیر، که در مذمت دنیا گفته شده، جناس
مطرف (در عبارتی دو کلمه به کار رود که در یک یا چند حرف
اوّل با هم اختلاف داشته باشند) به کار رفته است.

ان قبلت بکّت، او ادبرت برّت، او واصلت
صلکّت، او ایسرت سرّت، او ایسرت سرّت، او
اطنبت نبّت، او اسفت سفتّ، او عاونت وکتّ،
او نوّهت وهتّ.^{۴۰}

۹۷. در ابیات زیر، از معتمد بن عباد، جناس مذیل (عکس
مطرف که در شماره قبل توضیح داده شد) به کار رفته است:

ایها الصاحب الذی فارقت عید
خی ونفسی منه السنا والسناء
نحن فی المجلس الذی یهب الرا
حة والمسمع الغنی والغناء^{۴۱}

۹۸. بهاء الدین محمد بن عبدالله طبری نیز در ابیات زیر از
جناس مذیل استفاده کرده است. آغاز:

ارانی الیوم للاحباب شاک
وقد ماكنت للاحباب شاکر
ومالی منهم اصبححت باک
اباکسر بالمدافع کل باکر^{۴۲}

۳۳. الذیل والتکملة، ج ۵، ص ۳۴۱.

۳۴. همان، ص ۳۴۲.

۳۵. همان، ص ۳۴۸.

۳۶. همان.

۳۷. انوار الربیع فی انواع البدیع، سید علی صدرالدین مدنی، تحقیق شاکر
هادی شکر، نجف، چاپ اول، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۱۶۸. «هلال»
اوّل به معنای ماه و «هلال» دوم به معنای آب در ته حوض است.

۳۸. همان، ص ۱۶۹. «هلال» اول به معنای قسمتی از کفش است که هنگام راه
رفتن به زمین کشیده می شود و «هلال» دوم به معنای نوعی افعی است.

۳۹. همان، ص ۱۶۵. در بیتهای مزبور سه بار «عین» به ترتیب در این معانی
به کار رفته است: چشم، چشم زخم، دیدبان.

۴۰. همان، ص ۱۷۷.

۴۱. همان، ص ۱۳۵.

۴۲. همان، ص ۱۳۷.

۹۹. «دار» در قصیده‌ای که حریری سروده تکرار شده و هر کدام در معنای خاصی به کار رفته است. آغاز:
لاتبک الفسائى ولا دارا
ودر مع الدهر كيفما دارا
واتخذ الناس كلهم سكنا
ومثل الارض كلها دارا^{۴۳}

۱۰۰. حریری در قصیده‌ای پنجاه بیتی در هر دو بیت لفظی را تکرار کرده است، لیکن در معنای جداگانه. آغاز:
عرج - لك الخير - صدور الركاب
على ربي كُن مغانى الرباب
وقف بها وقففة مستعبر
يسح فيها الدمع سح الرباب^{۴۴}
۱۰۱. ابن جابر در ابیات زیر، که وزن آن رجز تام است، از صناعت تشریح استفاده کرده است. (هرگاه قسمتی از بیت حذف گردد، شعر با وزنی دیگر خوانده می‌شود). آغاز:

يربو بطرف فاتر مهمارنا
فهو المني لانتهي عن حبه
يهفو بغصن ناضر حلو الجنى
يشفى الضنى لاصبرلى عن قربه^{۴۵}

اگر از دو بیت فوق عبارتهای «مهمارنا» و «حلو الجنى» حذف گردد، وزن آن بحر رجز منهوك می‌شود:
يربو بطرف فاتر فهو ال
منى لانتهى عن حبه
يهفو بغصن ناضر يشفى الض
نى لاصبرلى عن قربه
و اگر «فهو المني» و «يشفى الضنى» حذف گردد، بحر آن رجز مشطور خواهد شد:

يربو بطرف فاتر مه
مارنا لانتهى عن حبه
يهفو بغصن ناضر حلو ال
جنى لاصبرلى عن قربه

و در صورتی که قسمتهای پایانی ابیات یعنی «لا انتهى عن حبه» و «لا صبرلى عن قربه» ساقط گردد، بحر آن رجز مجزوء می‌شود:

يربو بطرف فاتر
مهمارنا فهو المني
يهفو بغصن ناضر
حلو الجنى يشفى الضنى

۱۰۲. در ابیات زیر نیز، مانند قصیده قبیل، از صناعت

تشریح استفاده شده است:

جمر غرامى واقد يحكى لظى
شراره فى القلب ليس ينطفي
ودمع عيني شاهد على الهوى
مدراره والوجد ما لا يخفى^{۴۶}

۱۰۳. صفی‌الدین حلی در قصیده‌ای که در مدح پیامبر اکرم (ص) سروده، در هر بیت یک یا چند صناعت از صناعات ادبی در علم بدیع را رعایت کرده است. آغاز:

ان جئت سلماً فسئل عن جيرة العلكم
واقرب السلام على عرب بنى سلم
فقد ضمنت وجود الدمع من عدم
لهم ولم استطع مع ذلك منع دمی^{۴۷}

۱۰۴. ابوالوفاء بن عمر عرّضی در ضمن حدود ۱۵۰ بیت اصطلاحات علم بدیع را به کار برده است. آغاز:

براعستى فى ابتدا مدحى لذى سلم
قد استهلّت لدمع فاض كالعلم
قد ركّب الركب فى الاطلاق للنعم
سقى فَعُجّ بى فَعَجِبى من قلى نعى^{۴۸}

۱۰۵. حذف حرف «الف» در هفتاد بیت در مدح اهل بیت (ع) از اسماعیل بن عباد. آغاز:

قد ظل يجرح صدرى
من ليس يعدوه فكري^{۴۹}

۱۰۶. حذف حرف «واو» از علی بن حسین همدانی. آغاز:

برق ذكرت به الحباث
لما بدا فالدمع ساكب
امدا معي منهلة
هاتيك ام غزر السحاب^{۵۰}

۱۰۷. حذف حروف منقوط. آغاز:

۴۳. همان، ص ۱۷۱، به نقل از مقامات حریری.

۴۴. التكرير بين المثير والتأثير، ص ۲۱۴. «رباب» در بیت اول نام محبوه است و در بیت دوم به معنای ابر سفید.

۴۵. انوار الربيع فى انواع البديع، ج ۴، ص ۳۵۰.

۴۶. همان، ص ۳۵۱.

۴۷. البديعيات فى الادب العربى، على ابوزيد، بيروت، المزرعة بنایة الايمان، چاپ اول، ۱۴۰۳ق، ص ۳۱۵. در بیت اول براعت استهلال و تجنیس مرکب و مشتبه رعایت شده است و در بیت دوم صناعت تلفیق.

۴۸. همان، ص ۳۳۰.

۴۹. انوار الربيع، ج ۶، ص ۱۸۱.

۵۰. همان، ج ۶، ص ۱۸۱.

پس از پایان گفتار او، عبدالملک بن مروان جوایز فراوانی به او اعطا نمود.^{۵۴}

۱۱۱. ابو عبدالله محمد بن محمد کلیبی (م ۷۵۷ق) در مدح ابو الحجاج یوسف بن ابی الولید قصیده ای بدون حرف راء سروده است. آغاز:

قسماً بوضاح السنی الوهاج
من تحت مسدول الذوائب داج
و یأبلج بالمسک خطت نونه
من فوق و سنان اللواظح ساجی^{۵۵}

۱۱۲. ابو عبدالله بن عمران در مدح پیامبر اکرم (ص) قصیده ای سروده است که هر بیت به ترتیب حروف الفبا آغاز می شود. آغاز:

ایا خیر البریه هدی
مدحی و ما انا فی مقامی هادی
بها اظهرت صدق مجتبی
و بذلک الجاه الکریم لیادی^{۵۶}

۱۱۳. در قصیده زیر نام سوره های قرآن به کار رفته است. (صناعت توریه) آغاز:

بحمد إله العرش استفتح القولا
وفی آیه الکرسی أستمنح الطولا
وفی آل عمران بدا ذکر احمد
نساؤهمو بالعقد قد انعموا القولا^{۵۷}

۱۱۴. شهاب الدین احمد بن فرح لخمی در قصیده «غرامی صحیح» انواع احادیث را نام برده است. آغاز:

غرامی صحیح و الرجافیک معضل
وحزنی ودمعی مطلق و مسلسل
وصبری عنکم یشهد العقل انه
ضعیف و متروک و ذلی اجمل^{۵۸}

۱۱۵. کلماتی که در دو بیت زیر به کار رفته به ترتیب حروف

الحمد لله سامع الدعاء، وساطع اللألاء،
وحاسم اللأواء، و مدمر الاعداء، وصلی الله
علی رسوله محمد احمد الرسل احکاماً،
و أعلامه أعلاماً، و اسعدهم طالعاً و أسماهم
مطالعا.^{۵۱}

۱۰۸. حذف حروف نقطه دار، از ابن معصوم مدنی (م ۱۱۲۰). آغاز:

لله ما أحلی وصال الملاح
و ما الردی الأصدور الرماح
لا اصلح الله عدو الحی
علی الهوی لما رأی الوصل لاح^{۵۲}

۱۰۹. استفاده از حروف عاطل، از سید عبدالله طیلوانی.

آغاز:

رد الحلم و اسمع مارواه امرؤ آس
و اسس عماد العلم احکم آساس
و راع عهد الله و ارع و عوده
و حم حول اصلاح لو اسع ارماس^{۵۳}

۱۱۰. روزی عبدالملک بن مروان از اطرافیاناش خواست تا نام اعضای بدن را به ترتیب حروف الفبا بگویند. سوید بن غفله ایستاد و گفت:

انف، بطن، ترقوه، ثغر، جمجمه، حلق،
خد، دماغ، ذکر، رقبه، زند، ساق، شفه،
صدر، ضلع، طحال، ظهر، عین، غیب، فم،
قفا، کف، لسان، منخر، نغنوخ، هامه، وجه،
ید.

شخصی پیاخاست و گفت: من به ترتیب الفبا دو عضو از اعضای بدن را نام می برم. سوید گفت: من نام سه عضو را به ترتیب می برم. سپس ادامه داد:

انف اسنان اذن، بطن بنصر بزه، ترقوه تمره
تینه، ثغر ثنایا ثدی، جمجمه جنب جبهه، حلق
حنک حاجب، خد خنصر خاصره، دبر دماغ
درادیر، ذقن ذکر ذراع، رقبه رأس رقبه، زند
زردمه زب، ساق سره سبابه، شفه شجر شارب،
صدر صدع صلعه، ضلع ضفیره ضرس، طحال
طره طرف، ظهر ظفر ظلم، عین عنق عاتق،
غیب غلصمه غنه، فم فک فواد، قلب قفا قدم،
کف کتف کعب، لسان لحيه لوح، منخر مرفق
منکب، نغنوخ ناب نن، هامه هیسه هیف، وجه
وجه و رک، یمین یسار یافوخ.

۵۱. همان، ج ۶، ص ۱۸۲.

۵۲. همان، ج ۶، ص ۱۸۴.

۵۳. همان، ج ۶، ص ۱۰۸.

۵۴. المستطرف فی کل فن مستطرف، محمد بن احمد اشیبی، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۱۵.

۵۵. نفع الطیب، احمد بن محمد مقرئ (م ۱۰۴۱ق)، بیروت، دارالکتب العربی، ج ۱۰، ص ۴۲.

۵۶. همان، ج ۱۰، ص ۳۴۶.

۵۷. المدائح النبویه، سید هاشم خطیب، بغداد، دارالبیان، بیروت، دار التراث الاسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۵ق، ص ۱۳۴.

۵۸. نفع الطیب، ج ۳، ص ۲۸۳.

الفبا آغاز شده اند:

أى بدرتم نقل جورك حصّل خسرى
دع ذاك رُدّ زمن سعدى شفا صدرى
ضدى طمع ظنّ عجزى غار فى قهرى
كم ليج مذنلت وصلت هات لا يدرى^{٥٩}

۱۱۶. ابن جابر اندلسی (۶۹۸-۷۸۰ق) در قصیده‌ای که در مدح پیامبر اکرم (ص) سروده، ضمن آن، سوره‌های قرآن را به ترتیب نام برده است. آغاز:

فى كلّ فاتحة للقول معتبره
حقّ الثناء على المبعوث بالبقرة
فى آل عمران قدما شاع مبعثه
رجالهم والنساء استوضحوا خبره^{۶۰}

۱۱۷. علاء‌الدین محمد بن عقیف ابجی تسدیسى را به ترتیب الفبا در مدح رسول اکرم (ص) بدین صورت سروده است که در ابتدا و انتهای هر چهار مصراع اول، یکی از حروف الفبا را به کار برده، همچنین حرف اوّل مصراع پنجم و در بند دوم، حرف «ب» را به کار برده تا پایان حروف الفبا. آغاز:

الله احمد احمدا اذ يبرأ
اوضى وضئ نوره يتلألأ
انواره كل العوالم تملأ
أكوانه لولاه لم تك تنشأ
ان كنتم انقدتم له تسليمأ
صلؤا عليه وسلّموا تسليمأ^{۶۱}

۱۱۸. محمد بن عقیف تسدیسى دیگری نیز در مدح پیامبر اکرم (ص) به شیوه قبل سروده است. آغاز:

احسن بطلعة احمد هى اضوأ
اعلن بلمعته العوالم تملأ
ازين به لما اتى تملأ
ابين بأيات له فستنبأ
الله قدمه بها تقديما
صلؤا عليه وسلّموا تسليمأ^{۶۲}

۱۱۹. کفعمی طیّ نامه‌ای به ابوالعباس بن فرفری در شأن امیر علاء‌الدین، واژه‌هایی را به کار برده که اگر جداگانه کنار هم قرار گیرند، قصیده‌ای می‌شود. آغاز:

يقبل الارض وينهى «سلام» عبد لكم «محب» و
على المقة مكب «لويدا» للناظرين «هشرو» معشار
«شوقه» و غرامه «الطبيق» ذلك «ما بين» أفتاق
«السّموات» السبع «والارض».

اگر کلمات داخل گیومه کنار هم قرار گیرند بیت زیر به دست می‌آید:

سلام محبّ لويدا عشر شوقه
لطبق ما بين السّموات
والارض^{۶۳}

۱۲۰. در قصیده زیر نام سوره‌های قرآن در ضمن آن به کار رفته است. آغاز:

بسم الإله افتتاح الحمد والبقرة
مصلياً بصلاة لم تزل عطره
على نبي له الرحمن ممتدح
فى آل عمران ايضاً والنسا ذكره^{۶۴}

۱۲۱. ابن حجت حموی در نوشتار زیر تنها از حروف بی نقطه استفاده کرده است. آغاز:

هو طالع المملوك رسالة محمد وسلم واحكم
السمع والطاعة لكلامها المحكم والله ماسمعها
عالم الاوهام ولا ردع سحرها الحلال مسلماً
الاکراه الحرام وعاد عاملا واعد للصّلاح
حواصله وصار له مع الله معامله ما احلى ماكرر
عاطلها المحلى^{۶۵}.

۱۲۲. ابن جابر اندلسی قبل از الف مقصوره در پایان هر بیت، یکی از حروف الفبا را به کار برده و از هر حرف، ده بیت سروده است. آغاز:

با در قلبى للهوى وما ارتأى
لما رأى من حسنها ما قد رأى
فقرب الوجد القلبى حبها
وكان قلبى قبل هذا قد نأى^{۶۶}

۱۲۳. مالک بن مرحل مالقی، مخمسی را به ترتیب حروف الفبا سروده که مصراع اول از پنج مصراع، با یکی از حروف الفبا

۵۹. العاقل الحالی والمرخص العالی، صفی‌الدین حلّی، بغداد، دارالشؤون الثقافية العامة، چاپ دوم، ۱۹۹۰م، ص ۱۱۰.

۶۰. المدائح النبویة، ۱۲۸.

۶۱. نفع الطیب، ج ۱۰، ص ۳۱۸.

۶۲. همان، ج ۱۰، ص ۳۲۲.

۶۳. همان، ج ۱۰، ص ۲۰۳.

۶۴. المدائح النبویة، ص ۱۳۰.

۶۵. خزائن الادب وغایة الارب، ابن حجت حموی، مصر، چاپ اوّل، ۱۳۰۴ق، ص ۴۴۰. در این متن تاء تأنیث به کار رفته است. ظاهراً وجه آن این است که هنگام وقف، این حرف به صورت هاء تلفظ می‌شود.

۶۶. نفع الطیب، ج ۱۰، ص ۱۶۷.

در پایان هر چهار مصراع اول از شش مصراع، حروف الفبا را رعایت نموده است. آغاز:

انوار احمد حسنها يتلألاً
المصطفى بحلى الكمال يحلاً
الشمس تخجل وهو منها أضواً
النور منه مقسم ومجزأ
قد زان ذاك النور ابراهيماً
صلوا عليه وسلموا تسليماً^{۶۲}

۱۲۹. ابوالعباس احمد بن محمد مغربى، مخمّسى به ترتيب الفبا در مدح پیامبر اکرم (ص) سروده است. به این صورت که از هر پنج مصراع، سه مصراع اول به یکی از حروف الفبا ختم شده است. آغاز:

صلوا على من خصّ بالانبياء
وابوه ما بين الشرى والماء
ثم استمرّ النور فى الآباء
فتوارثوه كريمة وكريماً
صلوا عليه وسلموا تسليماً^{۶۳}

۱۳۰. در خطبه زیر که در مدح پیامبر اکرم (ص) نگاشته شده، نام سوره های قرآن در آن به کار رفته است. آغاز:

اللهم صل على سيدنا محمد الذى آتته السبع
المشاني وجعلتها فاتحة الكتاب، وبنيت له
الاحكام فى البقرة وفضلته على آل عمران،
واحللت له الكواعب الأتراب، ومددت له مائدة
الانعام، وجعلت أمته اعراف الأمم وشهداء
عليهم يوم الحساب.^{۶۴}

آغاز می شود و سه مصراع اول نیز با همان حرف ختم می گردد. در پنج مصراع دوم حرف «ب» را به کار برده تا پایان حروف الفبا. آغاز:

اجل الانبياء نبى
بضيايه شمس النهار تصي
وبه يؤمل محسن ومسي
فضلاً من الله العظيم عظيماً
صلوا عليه وسلموا تسليماً^{۶۷}

۱۲۴. ملا عثمان موصلى در قصیده ای که در مدح پیامبر اکرم (ص) سروده نام سوره های قرآن را در ضمن آن به کار برده است. آغاز:

يارب ادعوك بالمختار من قدم
فاسمع بفاتحة الاحسان والكرم
آيات احمد لاحت فالألى صرفوا
عنها فهم بقر من جملة النعم^{۶۸}

۱۲۵. کفعمى (۸۴۰-۹۰۵ق) در قصیده ای در مدح پیامبر اکرم (ص)، از تمام سوره های قرآن نام برده است. آغاز:

يا من له السبع المثاني تنزل
وخواتم البقرة عليه انزل
فى آل عمران النساء لم يلد
ن نظيره اعياد ذلك تفعل^{۶۹}

۱۲۶. در قصیده قلقشندی (۷۵۶-۸۲۱ق) نام سوره های قرآن، از پایان به اول به کار رفته است. آغاز:

عوذت حى برب الناس والغلق
المصطفى المجتبى الممدوح بالخلق
اخلاص من وجدى له والعذر يقلقنى
تبت يدا عاذل قد جاء بالملق^{۷۰}

۱۲۷. ابوالحجاج يوسف بن موسى متشافرى، مسدّس زیر را به ترتيب الفبا در مدح پیامبر اکرم (ص) سروده است. در این قصیده هر چهار مصراع اول به یکی از حروف الفبا ختم می شود. آغاز:

صفوة الخلق خاتم الانبياء
مرشد الناس للطريق السواء
والعماد الملاذ فى اللأواء
وشفيح العصاة يوم الجزاء
يوم ييسدو لديه جاء عظيم
فعليه الصلاة والتسليم^{۷۱}

۱۲۸. ابو عبدالله محمد بن محمد جزائرى در مدح پیامبر اکرم (ص) تسدّسى به ترتيب الفبا به این صورت سروده است که

۶۷. همان، ج ۱۰، ص ۳۰۵.

۶۸. المدائح النبوية، ص ۱۳۹.

۶۹. همان، ص ۱۴۲.

۷۰. همان، ص ۱۳۲.

۷۱. نفع الطيب، ج ۱۰، ص ۳۵۹.

۷۲. همان، ج ۱۰، ص ۳۲۷.

۷۳. همان، ج ۱۰، ص ۳۱۰.

۷۴. المدائح النبوية، ص ۱۵۲.